

ترامپ، در صورت روی کار آمدن، چه وضعی را با سایر کشورها رقم خواهد زد؟

اضطراب یک بازگشت

شمارش معکوس برای آن چه نوامبر ۲۰۲۴ (حوالی هشت ماه دیگر) در ایالات متحده آمریکا رخ خواهد داد، خیلی وقت است که در سراسر جهان آغاز شده است. شصتمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در شرایطی برگزار می‌شود که با کاندیداتوری رئیس جمهور اسبق، دونالد ترامپ، هراسی در دل بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها افتاده است. این هراس اگر چه با توجه به سابقه تصمیمات او در دوران ریاست جمهوری و هم‌چنین اظهار نظرات شاذ و نگران‌کننده‌اش غیرواقعی نیست، اما ضریب فزاینده رسانه‌های جهانی در ترویج و تشدید آن غیرقابل انکار است. این مسئله آن‌جا که به پیوند عمیق میان فناوری‌های دیجیتال و رسانه با جناح چپ جهانی - که دمکرات‌ها بخشی از آن هستند - توجه کنیم، حادث می‌شود و ما را به تحلیل‌های مستقل از فضای رسانه‌ای موجود رهنمون می‌کند.

با این وجود اما تغییر در رویکردهای سیاست خارجی آمریکا با توجه دوقطبی دمکرات جمهوری خواه در نیروهای سیاسی ایالات متحده، امری اجتناب‌ناپذیر است. البته برای ما، به عنوان ایران، هر دو حزب به یک میزان خطرناک هستند. اگر چه دمکرات‌ها همواره از ابراز و اعمال تخاصم خود به نحو تند پرهیز دارند و این احتمالاً سبب کاهش تنش‌ها در مقیاس‌های بزرگ خواهد شد، ولی اتفاقاً این مسئله به دلیل ظاهر فریبنده و قوه هاضمه نرم آن‌ها به همان اندازه می‌تواند خطرناک باشد. اما اکنون وضع کمی بغرنج‌تر هم هست. به نظر می‌رسد تغییر از دولت بایدن به دولت ترامپ به ویژه به دلیل شکاف عمیق بین مواضع سیاسی آن‌ها و شرایط آشفته جهانی که این تغییر در بستر آن اتفاق می‌افتد، بسیار قابل توجه خواهد بود. در این سال‌ها دولت بایدن تلاش کرد تا نقش آمریکا را برای دهه ۲۰۲۰ و پس از آن بازآفرینی کند. او سعی داشت تا ضمن حفظ درگیری‌ها با دشمنان

و نزدیکی به متحدان، ابرقدرتی را بسازد که در عین حال در مورد تجارت خودخواهانه‌تر، در مورد امنیت اقتصادی محتاط‌تر و در مورد استقرار نیروهای نظامی‌گزینشی‌تر عمل کند.

اما با نزدیک شدن به انتخابات، که بنا بر پیش‌بینی‌ها رقابت تنگاتنگی خواهد بود، دولت‌ها در سراسر جهان در حال تدوین طرح‌های جایگزین برای آمریکای تحت مدیریت ترامپ هستند. در چنین شرایطی انجام تعهدات فراتر از سال ۲۰۲۴ توسط جو بایدن، از جمله راه حل دو دولتی در اسرائیل و فلسطین، دشوار خواهد بود. به نظر می‌رسد دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ با دوره اول او متفاوت خواهد بود؛ هم از حیث آشفته‌تر بودن اوضاع جهان و هم از حیث کم‌تحمیل‌تر بودن آقای ترامپ.

رفتارها، تصمیمات و اظهار نظرهای ترامپ به گونه‌ای است که به سادگی قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی متناسب نیست. توضیح این که ترامپ با کشورها رابطه خطی دوستی - دشمنی و به تبع آن راهبرد حمایت جنگ را به صورت ساده برقرار نمی‌کند. متحدان او هر لحظه باید آماده قطع حمایت او باشند و دشمنان او ممکن است از سمت او پیشنهاد معامله دریافت کنند.

پیرامون متحدان، به نظر می‌رسد دو مؤلفه میزان موازنه تجاری و هم‌چنین درصد تخصیص هزینه‌های دفاعی از تولید ناخالص داخلی برای ترامپ بسیار مهم است.

مطابق محاسبات در سال ۲۰۲۳ از میان ۳۸ متحد آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و آسیا، آمریکا در ۲۶ کشور کسری تجاری داشت و همان طور که در نمودار زیر مشخص است، ۲۶ کشور در سال گذشته کمتر از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را برای دفاع هزینه کرده‌اند. این به این معنا است که در هر دو مؤلفه کلیدی مد نظر ترامپ، اوضاع وخیم است.

